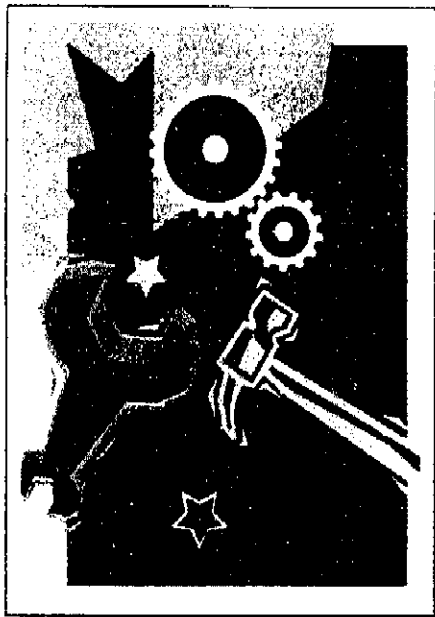


دوران غم انگیز ۱۰۰ = ۱۳۶۹



نوشته دکتر هوشنگ گنجبای

خرده‌فروشی، در دوران ۱۰۰=۱۳۶۱ و دوره‌ای ۱۰۰=۱۳۶۹ بیفکنیم و سپس سخن را پی گیریم. جدول زیر شاخص بهای خرده‌فروشی و خدمات مصرفی در نقاط شهری (هزینه زندگی) را در سال‌های ۶۹-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. ۱۰۰=۱۳۶۱

سال	شاخص (میانگین سال)
۱۳۵۵	۳۶/۱
۱۳۶۰	۸۳/۹
۱۳۶۵	۱۶۷/۵
۱۳۶۸	۳۲۳/۸
۱۳۶۹	۳۵۲/۸

مأخذ: بانک مرکزی ایران به نقل از سالنامه آماری کشور ۱۳۷۲

بانک مرکزی، سال پایه را برای محاسبات شاخص‌ها و قیمت‌های ثابت از سال ۱۳۶۱ به سال ۱۳۶۹، تغییر داده است. گروهی بر این اعتقادند که این کار به منظور کاهش ارقام شاخص‌هاست. زیرا، رقم‌های شاخص‌های خرده‌فروشی کالا (هزینه زندگی)، عمده‌فروشی کالا (هزینه زندگی)، عمده‌فروشی و... بر پایه سال ۱۰۰=۱۳۶۱ به ارقام بالای هزار صعود کرده است. گروه دیگری از ناظران بر این اعتقادند که این کار با توجه به ادعاهایی که از سوی فرد و افرادی در مورد شروع دوران نوینی در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور زیر نام «دوران سازندگی» می‌شود، سال ۱۳۶۹ به عنوان سال پایه و یا سال آغاز سازندگی، برگزیده شده است.

گروهی نیز بر این باورند که برای مشکل کردن کار پژوهش در سال‌های پس از ۱۳۵۷ خورشیدی و گسیختن رشته ارقام و آمار دست به این کار زده‌اند و به گفته معروف خواسته‌اند که «روز از نو و روزی از نو»، باشد.

به هر حال، عقیده غالب ناظران امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور بر این است که با توجه به معجزه‌های که می‌بایست در دوران سازندگی به وقوع می‌پیوست و مردم و دنیا باید به زور هم که شده، بپذیرند که این معجزه به وقوع پیوسته، سال پایه را از سال ۱۳۶۱ به ۱۳۶۹ جابجا کردند.

برای شناخت بهتر دوران ۱۰۰=۱۳۶۹، چند مورد را به صورت کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهیم. دادرسی در مورد عملکرد این دوران، به خوانندگان واگذار می‌شود.

نخست: نگاهی به شاخص بهای

اما، گزینش سال ۱۳۶۹ به عنوان سال پایه (به هر دلیلی که انجام گرفته)، یک فایده بزرگ در بردارد و آن این است که با یک نگاه به آماری که بر این پایه انتشار می‌یابد، می‌توان به درستی پیرامون سال‌های بعد از آن به داوری نشست. دیگر در این زمینه نیازی به بحث و جدل، اظهارنظرهای نه و علیه، مقاله‌نویسی و جبهه‌گیری وجود ندارد.

نگاهی به شاخص بهای خرده‌فروشی کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری (هزینه زندگی)، بعد از سال ۱۳۶۹ و مقایسه آن با شاخص هزینه زندگی بر پایه سال ۱۳۶۱ که در زیر نشان داده شده، خود گویای مسایل بسیاری است.

بدین سان با یک نگاه گذرا به جدول بالا و مقایسه آن با جدول پیشین، ملاحظه می‌شود که در دوران مورد ادعا، هزینه زندگی بیش از ۶/۴ برابر شده و تورم، فزونی بی‌س از حدی گرفته است. در حالی که میان سال‌های ۶۹-۱۳۶۱،

با توجه به جدول بالا، شاخص بهای خرده‌فروشی (هزینه زندگی)، در سال ۱۳۶۹، حدود ۲۵۲ درصد نسبت به سال پایه (۱۳۶۱) افزایش یافته است. یا به گفته دیگر، هزینه زندگی در عرض هشت سال (۱۳۶۹-۱۳۶۱)، بیش از ۳/۵ برابر شده است. اما در سال ۱۳۶۹ مسئولان بانک مرکزی، با تغییر سال پایه رقم شاخص هزینه زندگی را از رقم ۳۵۲/۸ به رقم ۱۰۰ تغییر دادند. کارشناسان اقتصادی، بر این عقیده‌اند که تغییر سال پایه، تنها به دلیل تغییرات شگرف در امر اقتصاد ملی است که ادامه روند پیشین را برای شناخت مسایل، مشکل می‌کند.

به هر صورت تغییر سال پایه، نشان‌دهنده آن است که مدیران بانک مرکزی به این نتیجه رسیده‌اند که سال ۱۳۶۹ آغاز دوران نوین در اقتصاد کشور است و در نتیجه خواسته‌اند که سال مزبور را به عنوان سال پایه، وارد حیات اقتصادی کشور کنند.

همان گونه که گفته شد، هزینه زندگی ۳/۵ برابر شد و این بدان معناست که تورم و گرانی در سال‌هایی که از آن به عنوان سال‌ها و یا دوران سازندگی نام برده می‌شود، دو برابر سال‌های پیش از آن بوده است.

شاخص بهای خرده‌فروشی کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری ۷۷-۱۳۶۹
۱۳۶۹=۱۰۰

سال	شاخص (میانگین سال)
۱۳۷۰	۱۲۰/۷
۱۳۷۱	۱۵۰/۱
۱۳۷۲	۱۸۴/۴
۱۳۷۳	۲۴۹/۳
۱۳۷۴	۳۷۲/۴
۱۳۷۵	۴۵۸/۸
۱۳۷۶	۵۳۸/۲
۱۳۷۷	۶۴۵/۶

مأخذ: بانک مرکزی ایران

در این راستا، ممکن است مدعیان، این مسأله را عنوان کنند که در برابر این تورم و گرانی، مردم از دستمزدهای بالاتر و درآمدهای بیشتری برخوردار شده‌اند، به طوری که برافزای و یا پیشاپیش تورم در حرکت بوده‌اند. گرچه خلاف این مسأله را اکثریت بزرگ مردم ایران با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند، اما به برکت تغییر سال پایه از ۱۳۶۱ به ۱۳۶۹ از سوی بانک مرکزی، می‌توان واقعیت‌ها را آسان‌تر به نمایش درآورد.

در این راستا بسینیم چه به روزگار زحمتکش‌ترین مردم این کشور، یعنی کارگران ساختمانی آمده است؟ با نگاهی به شاخص دستمزد کارگران ساختمانی، یعنی آن گروه از مردم ایران که نه در ادعا بلکه در عمل کار سازندگی و ساخت و ساز کالبدی (فیزیکی) کشور را به دوش می‌کشند، سال به سال فقیرتر شده‌اند.

در حالی که در همین دوران شاهد آن بودیم که در اثر پول‌های بادآورده و ثروت‌هایی که مبدأ

آنها معلوم نیست، هر روز در گوشه و کنار این شهر و دیگر شهرهای بزرگ کشور، ساختمان‌های سربه فلک کشیده به دست همین گروه عظیمی که هر روز فقیرتر شده‌اند، سر بر می‌آورند.

تورم و گرانی در سال‌هایی که به دوران سازندگی نامیده شده دو برابر سال‌های پیش از آن بوده است.

زندگی را در سال‌های ۷۷-۱۳۶۹، نشان می‌دهد. برای آگاهی خوانندگان، باید یادآور شویم که شاخص مزبور، در برگیرنده دستمزد کارگر ساده ساختمانی، بنا، نقاش و نیز اجرت آسفالت کار بام و مقنی است.

بدین سان، با توجه به این که هزینه زندگی میان سال‌های ۷۷-۱۳۶۹، بیش از ۶/۴ برابر افزایش یافته است. دستمزد کارگران ساختمانی، یعنی زحمتکش‌ترین قشر مردم ایران که بار همه ساخت و سازها را در کشور به دوش می‌کشند، تنها ۴/۹ برابر شد. یعنی آنها در دوره ۱۳۶۹=۱۰۰ یا دوران ادعایی «سازندگی»، هر سال فقیرتر شده‌اند.

این در حالی است که بهره‌مندان از دوران ادعایی که چیزی جز تنگدستی، تورم و گرانی برای اکثریت مردم ایران در برنداشته است، برج‌ها را به قیمت‌های هر متر مربع برابر یک میلیون تومان خرید و فروش می‌کنند؟

سخن را به وجه دیگری از وجوه دوران غم‌انگیز ۱۳۶۹=۱۰۰، بکشانیم. در این زمینه، اگر سخنی از بخش کشاورزی به میان آورده نشود، شایسته‌تر است. زیرا درد دیگری بر دردهای فراوان خوانندگان خواهد بود. اما، به کوتاه سخن باید یادآوری شود که در عرض ده سال گذشته، وابستگی کشور از نظر واردات به

۱۳۶۹=۱۰۰

جدول شماره یک

سال	شاخص	
	بهای کل کالاها و خدمات مصرفی (هزینه زندگی)	کل دستمزد کارگران ساختمانی
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۰	۱۲۰/۷	۱۱۳/۶
۱۳۷۱	۱۵۰/۱	۱۳۶/۹
۱۳۷۲	۱۸۴/۴	۱۶۱/۴
۱۳۷۳	۲۴۹/۳	۲۰۰/۴
۱۳۷۴	۳۷۲/۴	۲۷۸/۲
۱۳۷۵	۴۵۸/۸	۳۷۲/۱
۱۳۷۶	۵۳۸/۲	۴۳۸/۸
۱۳۷۷	۶۴۵/۶	۴۹۳/۶

مأخذ: هر دو جدول، بانک مرکزی ایران

مردم هر روز شاهد کلنگ زدن‌ها و بریدن نوار، یعنی آغاز و انجام طرح‌ها بودند، بپردازیم، تا گفته

جدول شماره یک، شاخص کل دستمزد کارگران ساختمانی و مقایسه آن با شاخص هزینه

نشود که در سال فلان چند قطره کم تر از آسمان بارید و این مشکلات برای کشاورزی پیش آمد. در حالی که چنین نیست و مردم ما شاهد آن هستند که هر سال نیاز مردم ایران به فرآورده های کشاورزی دیگران، فزونی می گیرد.

در دی ماه ۱۳۷۷ به کوشش بانک مرکزی ایران، نتایج بررسی کارگاه های بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۷۶ (۱۰۰=۱۳۶۹) منتشر شد. در این بررسی مقصود از کارگاه بزرگ صنعتی، کارگاه هایی است که تعداد کارکنان آن بیشتر از ۵۰ نفر است.

البته، می دانیم که بخش بزرگی از کارگاه های مزبور در مالکیت دولت و یا دستگاه های وابسته به دولت (مانند بانک ها، بنیادها و نهادها و...) قرار دارد. و باز چنان که می دانیم مالکیت دولت و یا دستگاه های وابسته به دولت بر بخش بزرگی از کارگاه های مزبور، حاصل مصادره اموال و خلع ید از مالکان اصلی این گونه واحدهاست.

تعداد این گونه یگان های صنعتی که در سال ۱۳۶۹ برابر با ۱۳۲۰ کارگاه بود، در سال ۱۳۷۶ به ۱۶۹۱ کارگاه افزایش یافته است. یعنی در دورانی که به عنوان «سازندگی» از آن یاد می شود، تعداد ۳۷۱ کارگاه یا به طور متوسط سالانه تنها ۵۳ کارگاه بزرگ صنعتی در سراسر کشور ایجاد شده است.

بر پایه بررسی مزبور تعداد کارکنان (کارگران + کارمندان) کارگاه های بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۶۹، یعنی سال پایه، برابر با ۵۲۶۰۴۸ نفر بود (۱)، در سال ۱۳۷۶ به ۵۸۲۳۳۶ تن رسیده است. یعنی سالانه به طور متوسط در دورانی که زیاد از آن سخن می گویند، در صنایع بزرگ کشور، تنها ۸۰۴۱ نفر توانسته اند به کار مشغول شوند.

جدول شماره دو شاخص اشتغال کارکنان کارگاه های بزرگ صنعتی کشور را در سال های ۱۳۶۹-۷۶ نشان می دهد.

در حالی که در سال های مزبور، هر ساله میلیون ها دختر و پسر به سن ۱۸ سالگی (سن اشتغال) می رسیدند. هرگاه ارقام فارغ التحصیلان در دوره های گوناگون، از دبیرستان، فوق دیپلم و دانشگاه را در کنار آن قرار دهیم، در آن صورت آشکار می گردد که در دوره ۱۰۰-۱۳۶۹ چه بر جامعه و اقتصاد این کشور رفته است.

در آبان ماه سال ۱۳۷۵ بر پایه سرشماری عمومی نفوذ مسکن، تعداد ۱۳۲۲۸۰۸ دختر و پسر در سن ۱۸ سالگی، یا سال آمادگی کامل برای

جدول شماره دو

سال	شاخص	تعداد شاغلان (نفر)	افزایش یا کاهش
۱۳۶۹	۱۰۰	۵۲۶۰۴۸	—
۱۳۷۰	۱۰۶/۳	۵۵۹۱۸۹	+۳۳۱۴۱
۱۳۷۱	۱۰۸/۶	۵۷۱۲۸۸	+۱۲۰۹۹
۱۳۷۲	۱۰۶/۵	۵۶۰۲۴۱	-۱۱۰۴۷
۱۳۷۳	۱۰۵/۱	۵۵۲۸۷۶	-۷۳۶۵
۱۳۷۴	۱۰۶/۱	۵۵۸۱۳۷	+۵۲۶۱
۱۳۷۵	۱۰۸/۴	۵۷۰۲۳۶	+۱۲۰۹۹
۱۳۷۶	۱۱۰/۷	۵۸۲۳۳۶	+۱۲۱۰۰

مأخذ: بانک مرکزی ایران

دانشگاه آزاد نیز هستند. برابر این سیل خروشان جمعیت آماده کار، فارغ التحصیلان دبیرستانی و دانشگاهی، صنایع بزرگ کشور، چنان که گفته شد، تنها توانسته اند کمابیش ۵۶ هزار شغل ایجاد کنند. ارقام گویا تر از آن هستند که نیاز به تفسیر و توضیح بیشتر باشند.

البته باید در نظر گرفت که

محاسبات وسیله نویسنده با توجه به ارقام شاخص محاسبه شده است

فارغ التحصیلان دوره متوسط ۸-۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵-۶

سال تحصیلی	تعداد
۱۳۶۷-۶۸	۱۴۴۸۷۲
۱۳۶۸-۶۹	۱۴۳۸۷۴
۱۳۶۹-۷۰	۱۶۷۴۵۳
۱۳۷۰-۷۱	۲۴۸۳۳۲
۱۳۷۱-۷۲	۲۴۶۶۳۶
۱۳۷۲-۷۳	۲۸۵۶۹۴
۱۳۷۳-۷۴	۳۷۹۰۰۰
۱۳۷۴-۷۵	۵۰۰
۱۳۷۵-۷۶	۴۴۷۷۰۳

مأخذ: سالنامه آماری کشور سال های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶

۰۰۰-رقم در سالنامه وجود ندارد

مسئله ای با این ابعاد تکان دهنده و وسیع را نمی توان در حد یک یا چند مقاله مورد بررسی قرار داد. این مسئله را خروارها کاغذ و متنوی های بسیار باید تا بتوان به زوایای گوناگون آن پرداخت.

سال تحصیلی	فارغ التحصیلان
۱۳۶۹-۷۰	*۸۰۸۵۷
۱۳۷۰-۷۱	۸۴۵۶۳
۱۳۷۱-۷۲	۱۰۸۸۰۲
۱۳۷۲-۷۳	۱۳۱۹۷۹
۱۳۷۳-۷۴	۱۵۵۷۲۲
۱۳۷۴-۷۵	۱۳۱۰۸۶
۱۳۷۵-۷۶	۱۵۷۲۹۰

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶

* برای این سال، رقم فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد، در سالنامه وجود ندارد رقم مزبور از سری نویسنده، برآورد شده است

پانویس:

۱- محاسبه - از روی شاخص های داده شده از سوی بانک مرکزی وسیله نویسنده کفایت به عمل آمده است.

فعالیت قرار داشته اند. جدول زیر جمعیت ۱۸ ساله کشور را در سال های ۷۶-۱۳۶۹ نشان می دهد.

سال	جمعیت ۱۸ ساله
۱۳۶۹	۹۷۱۸۵۵
۱۳۷۰	۱۰۱۹۰۳۴
۱۳۷۱	۱۰۲۹۱۰۴
۱۳۷۲	۱۰۶۲۳۰۵
۱۳۷۳	۱۳۹۶۸۴
۱۳۷۴	۱۱۶۳۶۰۷
۱۳۷۵	۱۳۲۲۸۰۸
۱۳۷۶	۱۴۱۵۴۳۸

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۶ - محاسبات از سری نویسنده

بدین سان، بر پایه ارقام بالا، در سال های مزبور کمابیش ۹ میلیون تن پسر و دختر ایرانی به سن ۱۸ سالگی یا سن فعالیت رسیده اند.

در همان سال ها، چند صد هزار تن از دبیرستان های کشور و چند صد هزار تن از دانشگاه ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی کشور، فارغ التحصیل شده اند، اما از میان این انبوه میلیونی، تنها ۵۶ هزار نفر توانسته اند جذب صنایع بزرگ کشور شوند!!

برای آشنایی بیشتر با زرفای ناهنجاری ها و اثبات غلو بودن ادعاها، توجه به ارقام جدول های زیر ضروری است.

این جدول ها فارغ التحصیلان دبیرستانی و نیز مراکز آموزش عالی کشور در سال های تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ تا ۷۶-۱۳۷۵ را نشان می دهند.

در همین دوره، صدها هزار تن از مراکز آموزش عالی، فارغ التحصیل شده اند. جدول زیر فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی را نشان می دهد. این ارقام در برگیرنده فارغ التحصیل های